



07-06-2018

صالحه واهب واصل

داکتر صاحب هاشمیان به جاویدانگی پیوست

باورم ناید که زین بعد خالی باشد جای تو
یا که زیر خاک گردد قامت بالای تو
سالها همچون پدر بودی انیس و مونس
درد میبارد ز چشمم تا کنم سودای تو
مرگ تو از قالب تن رفتن روح است و بس
نامت اینجا جاویدان و روشنست عقبای تو
فخر ما بودی و هستی ای عزیز بی مثال
هرچه دارم از دعا من در زبان، اهدای تو



باز هم دست جبار اجل گل دیگری را از باغستان ادب و فرهنگ کشور چید و ساقه اش را خشک کرد. یکی از جمله نادر ترین چراغ های که در شب های ظلمانی افغانستان با وجود هزاران مشقت و موانع پیشرفت و انکشاف ذهنی برای مردم، از انرژی و توان و روشنای درونش میدرخشید و اطراف و اطرافیان را نور علم و ادب میبخشید. چراغی که در چنگال پنجه بی عدالتی های ناجوانمردانه و در موج مرگیار قضاوت های نادرست با جدال های توأم از دادخواهی، برای اثبات حقیقت های پاکش دست و پا زد تا نابود شد.

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پاڼوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

بلی داکتر صاحب سید خلیل الله هاشمیان، مرد توانا، جسور، با شهامت و بیباک. شخصیت اکادمیک، دیپلمات، عدالت خواه، وطندوست و مردم دوست، مرد ثابت قدم و حقگو در برابر اتهامات و قضاوت های نادرست. مرد حساس و با احساس، مردی که درد و رنج وطنش را با خون قلم از سالیان متمادی به روی صفحه کاغذ ریخت و مستقیم و غیر مستقیم خواستار عدالت وحدت و صلح و صفا در بین مردمش و وطنش شد.

هاشمیان یکی از چهره های شناخته شده شخصیت برجسته، مفسر سیاسی و صاحب سخن و فعال در قلم فرسائی، ادبیات، تاریخ، فرهنگ و ارزش های ملی بود که نقش و سهم شان را در حفظ، نگهداشت و احیای آنها مشهود و قابل یاد اوری میدانم. وی مدیر مسؤل و ناشر ماهنامه (آئینه افغانستان) مردی که نکته های تیره بدبختی را در اوراق زرین ریا و فریب دولتمردان ادوار مختلف سیاسی دقیق میدید و آنرا بی مهابا افشاء میکرد و برای حق مردمش میجنگید. داکتر صاحب سید خلیل الله هاشمیان يك تن از شخصیت های باعزت جامعه افغانستان بودند که با سعی و تلاش خستگی نا پذیر در مورد قضایا افغانستان در دهه هشتاد و بعد آن روشنی انداخته و يك سلسه حقائق را برای مردمش از طریق مجله (آئینه افغانستان) افشاء می نمودند. ایشان سبک خاص خودشان را داشتند که مقالات و اباحت شان دارای مخالفین و موافقین بود و از جمله چهره های مطرح مطبوعاتی به شما میرفتند. به گفته محترم آریا صاحب "او همان گلی بود که عطرش مشام وطن دوستان مردم خواه را نوازش می داد و خارش بر قلب اغیار پرستان جفا کار می خلید"

بنده از سال 2013 به بعد از طریق وبسایت افغان جرمن آنلاین افتخار شناخت و آشنائی با ایشان را از طریق نوشته های گران وزن و تبصره ها و بحث های شان در نظر سنجی این وبسایت وزین حاصل کردم. برای اولین بار رابطه مستقیم شان با من با تبصره بسیار علمی و تحلیلی بر یکی از اشعارم که مخمسی بر شعر معروف «ای قوم به حج رفته کجائید، کجائید» بود، آغاز شد. ایشان در اولین ایمیل شخصی شان به من نوشته بودند "سلام به استادی که دستش قابل بوسیدن است" و بعد نظر و تبصره شان را در مورد شعرم با ظرافت خاصی ابراز کرده بودند. بعد از دوسه ایمیلی که بین ما در ارتباط با کار های ادبی من رد و بدل شد در ایمیل پنجمی شان به من فرزند دلبندم خطاب کرده بودند که برای من افتخار بسی بزرگی بود، است و همیشه چنین خواهد ماند. بعد از یکسال از من خواستار فرستادن مجموعه های شعری ام گردیدند و من پنج مجموعه ام را خدمت شان فرستادم فقط تشکر کردند و هیچ چیزی بالاتر از آن نوشتند. بعد از دوسه ماهی نامه هشت ورقه ای را برایم فرستادند که در حدود 76 غزل را از مجموعه های مختلف شعری ام انتخاب و از نظر علم بدیع و بیان مورد تحلیل و تجزیه قرار داده بودند. همچنان که اشعار خانم شیمیا غفوری را. چون نظر به حسن نیت و طرزدید علمی و ادبی شان، همه را در یک سطح بالا یافته بودند، از 16 نفر ادباء، استادان، شعراء و بزرگان ادب مقتضی قضاوت خالصانه و بیطرفانه شده، خواسته بودند که اگر همه با نظر شان موافق باشد به ما دو خانم ها (خانم شیمیا غفوری و اینجانب) لقب «استاد ادب دری» را اهداء نمایند. که خوشبختانه اکثر بزرگانی که دعوت به این نظر خواهی شده بودند، موافقت شان را اعلان داشتند و داکتر صاحب هاشمیان با آنکه در همان هفته تازه بعد از 12 روز بستری شدن به شفاخانه، تازه به خانه برگشته بودند به من زنگ زده تبریکی دادند و خواستند تا محفلی را معنون به لقب استادی سازماندهی کنیم. نخست از آمدن به اروپا برای این محفل جداً معذرت خواستند زیرا توان این سفر طولانی و دراز مدت را در خود نمی دیدند و ما هم تفاهم داشتیم اما یک هفته قبل از موعد معین شده تلفونی اطلاع دادند که میخوام در محفل بطور حضوری تروفی ها را خودم به دست تان بدهم. ایشان صرف به خاطر تشویق ما و به خاطر اینکه برای اولین بار در جامعه افغانی دو زن تقدیر میشد، با تمام ناتوانی های جسمانی و کبر سن این مشقت و دشواری سفر طولانی را با مصارف شخصی خود شان قبول کردند و برای دو هفته به اروپا آمدند. در محفل افتخار حضور به هم رسانیدن شان را به ما بخشیدند و تروفی ها را هم که خود از پول شخصی خود درست کرده بودن به ما اهداء کردند.

اکثراً از بعضی ها میشنیدم که داکتر صاحب هاشمیان بسیار سخت زبان و زشت زبان هستند و پروای فلک را ندارند، هرچه از زبان شان برآمد میگویند و در فکر آبرو و عزت خود و دیگران نیستند. من با جدیت تمام این گفته این هموطنان ما را رد میکنم. زیرا هر انسان آئینه خویش است. صدا از یک دست نمی برآید. تا «مرگ» نگوئیم «درد» نمی شنویم و تا «جان» نگوئیم «قربان» نمی شنویم. این رسم دنیا و اصول مکالمه است. من مدت شش سال ایشان را شناختم و با ایشان همکار بودم و بسیار کار های مشترک کردیم. قسم به شرافت که حتی یک لمحہ هم که شده بود من کدام حرف بد و یا زشتی از ایشان نشنیدم. با آنکه به من فرزند خطاب میکردند اما به من مثل یک بزرگ و مثل

د پانوی شمیره: له 2 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپکنی د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ

یک مادر احترام می‌گذاشتند. آنانیکه یک انگشت انتقاد بالای ایشان بلند میکردند و یا میکنند حتماً به سه انگشت دیگرشان که به سوی خودشان میباشد توجه نکرده اند.

برازندگی دیگر شخصیت داکتر صاحب هاشمیان قلب مهربان و احساس خدمت به وطن ایشان بود که با حمایت و همکاری شان در قاموس کبیر افغانستان به ما و به همه هموطنان ما ثابت نمودند. زمانیکه این پیشنهاد شد و ما تصمیم گرفتیم که به کار ایجاد قاموس آغاز کنیم، یگانه اشخاصی که در کنار ما ایستاد شدند داکتر صاحب هاشمیان بودند و جناب محترم فارانی صاحب. داکتر صاحب هاشمیان تا آخرین رمق حیات شان با ما همکاری مادی و معنوی کردند و تقریباً در حدود 4000 کلمه را از لغتنامه مرحوم نسیم نگهت که یک لغتنامه انگلیسی است ترجمه نموده و شامل قاموس کبیر افغانستان نمودند که با امانت داری تحت اسم خود شان درج قاموس گردیده است. با همه ناتوانی های جسمانی و مشکلات صحتی هر زمانیکه به ایشان مراجعه میکردیم، رد نمی کردند و سوالات ما را از نظر علمی و ادبی پاسخ میدادند. ما هم به خاطر مدد علمی و زبانی شان و هم به پاس حمایت شان از ما و کار ما تا زنده هستیم مدیون و مرهون شان بودیم، هستیم و همیشه خواهیم بود. این یک واقعیت است که اگر جناب داکتر صاحب تکیه گاه علمی ما در عرصه زبان و ادبیات دری نمی بودند ما هرگز موفق به ایجاد و پیشبرد قاموس شده نمی توانستیم.

داکتر هاشمیان جایگاه شان را در قلوب آگاهان علم و ادب دارد و قاموس کبیر افغانستان ثبوت دیگری از جاویدانگی اسم ایشان بشمار میرود. اینجانب منحیث یکی از تازه قدمان راه علم و ادب زبان دری وفات شان را بحیث يك ضایعه علمی، ادبی و فرهنگی به همه جوامع افغانی در ممالک مختلف جهان، به خانواده مطبوعاتی افغانستان خانم گرامی شان محترمه سامعه جان هاشمیان و باقی اعضای خانواده ارجمند شان تسلیت عرض نموده، صبر جمیل استدعا میکنم. روان شان را شاد و مکان ان را بهشت برین آرزو میکنم. الله تعالی این سرمایه معنوی ملت افغان را که زندگی ثمر بخش و با افتخاری را پشت سر گذاشته اند، غریق رحمت کند. جدائی این شخصیت با عزت و قدرمند از جمع قلمبدستان و ادیبان افغان مایه تأسف و تأثر عمیق همه دوستدارانش گردیده است. آرزو میکنیم تا وسعت صبر خانواده، دوستان و جامعه علمی و فرهنگی کشور به اندازه دریای غمشان باشد.

با حرمت

د پانو شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولئ